

دوشنبه ۹ خرداد ۱۴۰۱ ۲۹ شوال ۱۴۴۳ • ۳۰ می ۲۰۲۲

اخبار

پوری خبر داد:

آغاز به کار هیات داوران پنجمین جایزه داستان‌نویسی ارغوان

هیات داوران پنجمین دوره جایزه داستان‌نویسی «ارغوان» به تازگی کار خود را آغاز کرده است. احمد پوری داستان‌نویس، مترجم و مدرس داستان‌نویسی، امسال نیز همچون دوره‌های گذشته به عنوان یکی از اعضای شورای داوری، با این جایزه همکاری دارد.او، با اعلام خبر آغاز داوری این‌دوره از جایزه مورد اشاره، اضافه شدن بخش برنده برندگان را که ویژه برگزیدگان دوره های پیشین این جایزه است، مثبت ارزیابی کرد و گفت: اضافه شدن بخش برنده برندگان به پنجمین دوره جایزه ارغوان، سبب شده این دوره در قیاس با دوره‌های پیشین، تفاوت مثبتی داشته باشد.

وی افزود: ارزیابی روند پیشرفت برندگان چهار دوره قبلی جایزه و بررسی رشد کار آنان ، نتیجه مثبتی بود که با اضافه شدن این بخش مشخص شد، خوشبختانه از نظر من و دیگر همکاران شورای داوری، سطح داستان‌ها در بخش برنده برندگان بسیار بالا رفته است و این پیشرفت به صورت چشمگیری دیده می‌شود که همه داوران از این بات بسیار خوشحال هستند. این‌مترجم در ادامه گفت: واقعیت این است که آثار رسیده به بخش اصلی جایزه را ضعیف دیدم که این موضوع جای تامل و بررسی دارد. چراکه قبلا دست‌کم از نظر معیارهای شخصی من سطح کیفی داستان‌ها به این شکل نبود اما امسال این تفاوت در ارزیابی شخصی من محسوس بود. پوری در پاسخ به این پرسش که جایزه «ارغوان» از زمان آغاز به کار تا امروز، چهقدر در میان جوانان علاقه‌مند به داستان‌نویسی شناخته شده، گفت: به دلیل ارتباطاتی که در کلاس‌های مختلف داستان‌نویسی و دوره های آموزشی متفاوت با جوانان دارم، می‌توانم با اطمینان بگویم هم اکنون نام «ارغوان» به عنوان یک جایزه داستان‌نویسی جا افتاده و خوشحال‌کننده است.این‌داستان‌نویس و مترجم در پاسخ به پرسشی درباره تداوم بخش «برنده برندگان» در دوره‌های بعدی این جایزه نیز گفت: درباره این موضوع شک دارم. بهتر است که این بخش هر چند سال یک بار در کنار بخش اصلی برگزار شود. برگزیدگان جایزه هم، هفته سوم خرداد معرفی می‌شوند.

پله ها تازم نمی‌شدند

راهی بازار نشر شد

کتاب «پله‌ها تمام نمی‌شدند» شامل زندگینامه داستانی شهید مدافع حرم مهدی تعمایی نوشته افروز مهدیان به‌تازگی توسط انتشارات روایت فتح چاپ و راهی بازار نشر شده است.این کتاب روایت زهر راثی و درباره تصمیم مادی است که حاضر می‌شود جگرگوشه‌هایش را برادرار و برود توی دل جنگ، آن هم در کشوری غریب، همچنین شاهد جدایی دختر جوان غوطه ور ناز و نعمت را از زندگی در آغوش گرم خانواده و رهمسایری به نامینی یک شهر جنگی را در «پله‌ها ها تمام نمی‌شدند» می‌خوانید. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانید: «سرم به کارهای خانه گرم شده بود و زمان از دستم در رفت. تا به خودم آمدم غروب شده بود. زخم توی سرم و پله‌ها را دوتا یکی رفتهم پایین سراغ بچه‌ها. صدای تیراندازی می‌آمد. توی سرزنان دورخانه را چند دور هروله کردم. نبودند که نبودند…»کتاب «پله ها تمام نمی‌شدند» با حضور حجت‌الاسلام محمد قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، همسر و فرزند شهید، حسن روزی‌طلب مدیر مسئول مؤسسه ایران در سی‌وسومین نمایشگاه کتاب تهران رونمایی شد. این‌کتاب با ۱۷۶ صفحه و قیمت ۶۰ هزار تومان منتشر شده است.

احمدوند مطرح کرد؛

فروش سه میلیون نسخه کتاب در بخش حضوری و مجازی نمایشگاه کتاب

رئیس سی و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در آخرین نشست خبری این رویداد گفت ۳میلیون نسخه کتاب در مجموع بخش حضوری و مجازی نمایشگاه کتاب به فروش رسیده است.رئیس سی و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران گفت: در مجموع ۲۱۱ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان، در دو بخش فیزیکی و مجازی کتاب فروخته شد؛ البته باید میزان فروش با پرداخت‌های کارت به کارت و نقدی را نیز به این رقم افزود. احتمالاً ۱۵ تا ۳۰ درصد بیش از رقم نهایی کتاب در این دوره از نمایشگاه فروخته شده است.وی افزود، بیش از ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نسخه کتاب در بخش مجازی، فروش رفته است. در بخش فیزیکی آمار دقیقی از عنوان‌ها موجود نیست اگر عدد بخش مجازی را مینا قرار دهیم بیش از این تعداد، نسخه کتاب در بخش حضوری نمایشگاه کتاب فروخته شده است. بیش از ۱۰۷ میلیارد تومان در بخش حضوری نمایشگاه، کتاب فروخته شده و بیش از ۱۰۳ میلیارد تومان در بخش مجازی کتاب فروش رفته است، بی‌تردید عدد قابل اعتنایی است البته با محاسبه فروش‌های نقدی و کارت به کارت عده‌ای از ناشران متخلف بی‌تردید ۳ میلیون نسخه کتاب در این نمایشگاه فروش رفته است. احمدوند گفت: با توجه به این‌که امره دقیقی از میزان فروش، تعداد نسخه‌های فروش شده چندان نمی‌توان با اطمینان درباره این‌که در نمایشگاه ۱۴۰۱ در مقایسه با دوره‌های قبل کتاب فروخته شده، صحبت کرد. در مجموع با شرایط فعلی، میزان و تعداد نسخه‌های فروش رفته، عدد قابل توجهی است. معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: اگر میانگین قیمت هر کتاب در نمایشگاه مجازی، حدود ۸۵ هزار تومان باشد، تصور این است که ۳ میلیون نسخه به این رقم فروش رفته باشد، بنابراین در مجموع ۲۵۰ میلیارد تومان، از سوی مخاطبان در دو بخش حضوری و مجازی فروش رفته است.

فرهنگ و هنر

نیکوس کارانتزاکیس یونانی با نوشتن رمان‌هایی در مضامین جنجال برانگیز که غالباً به عمیق‌ترین باورها و ارزش‌ها پرداخته گاهی چنان سوژه‌اش را زیر قلم می‌کشد و در ظرف پر از تجربه زیسته وز می‌دهد که انگار خودش منتظر است ببیند آنچه از زیر قلمش در می‌آید چه طعم و شکلی می‌گیرد.

او که از اواخر قرن نوزده تا اواسط قرن بیستم زیست، جسارت و تیزی قلمش چنان کرد که در نهایت هیچ کلیسایی جسدش را پذیرا نشد. گرچه این بی‌پروایی‌اش در داستان‌پردازی، امروز هم زیادی تند و تیز به نظر می‌رسد یا اینحال رمان‌های او از جمله رمان‌های مطرحی است که بسیار درباره آنها گفت‌وگو و اقتباس سینمایی شده است.

«آخرین و سوسه مسیح»، «مسیح باز مصلوب» و «زوربای یونانی» از مهم‌ترین رمان‌های این نویسنده است. نوشته حاضر بررسی رمان زوربای یونانی و حاصل سیزدهمین نشست گروه خورشید است.

در این نشست که با حضور سمیه عالمی، فاطمه نفری، مرضیه نفری، عدرا موسوی و مریم مطهری‌راد انجام شد، رمان زوربای یونانی نوشته نیکوس کارانتزاکیس در ابعاد مختلف مورد ارزیابی و نقد قرار گرفت.

داستان «زوربای یونانی» از جایی شروع می‌شود که راوی در کافه‌ای در بندرگاه نشسته و به گذشته فکر می‌کند. او که جوانی روشن‌فکر است، پیشنهاد دوستش برای رفتن به قفقاز را رد کرده و می‌خواهد مدتی سبک زندگی‌اش را تغییر دهد. به جزیره «کرت» برود و به استخراج زغال لیتین بپردازد. ناگهان «الکسیس زوربا»، پمیریدی شست‌وینچ ساله، سرزنده و شاداب که دستی هم در کار معدن داشته، از راه می‌رسد و با او همراه می‌شود. زوربا، تنها سرکارگر معدن نیست. او می‌تواند اربابش را با کارهای غیرمنتظره به وجد بیاورد و تحت‌تأثیر قرار دهد. زوربا در نظر ارباب مردی آزاد و بی‌قید و بند است که از هر فرصتی برای لذت بردن استفاده می‌کند.

شیطانی که در کمین است

سمیه عالمی در این نشست گفت: نویسنده در داستان زوربا توانسته شیطان و خدا را شانه‌به‌شانه هم راه ببرد. کتاب دانته را دست راوی داده تا در سطرهای کتاب بخواند «شیطان اعظم که فرمانروای کل دوزخ است از اقامتگاه خود در نقطه مرکزی کره زمین، این کشور عظیم ظلمات را اداره می‌کند. شیاطین در هر مرحله به کمین نشسته‌اند و در صدد فریفتن مسافران هستند. در آغاز سفر، یکی از زادگان اهرمن که پاسدار بزرگ دوزخ است او را وسوسه می‌کند که به درون جنگل خطا بازگردد و بیهوده بدین سفر نرود.» (داتنه، ۱۲۷۸، ص ۵۰). در باور مسیحیان، اساس هستی اهرمین سه اصل «غضب»، «کینه» و «جهل» است که صورت‌های سه گانه شیطان هستند و در مقابل سه اصل «محبت» و «بخشش» و «دانایی» قرار دارند که ترکیب آنها اساس ذات یزدانی است و به تعبیری این سه، مظهر تثلیث الهی یعنی (اب، ابن، روح القدس) هستند و ما با خشم، کینه و چهلی

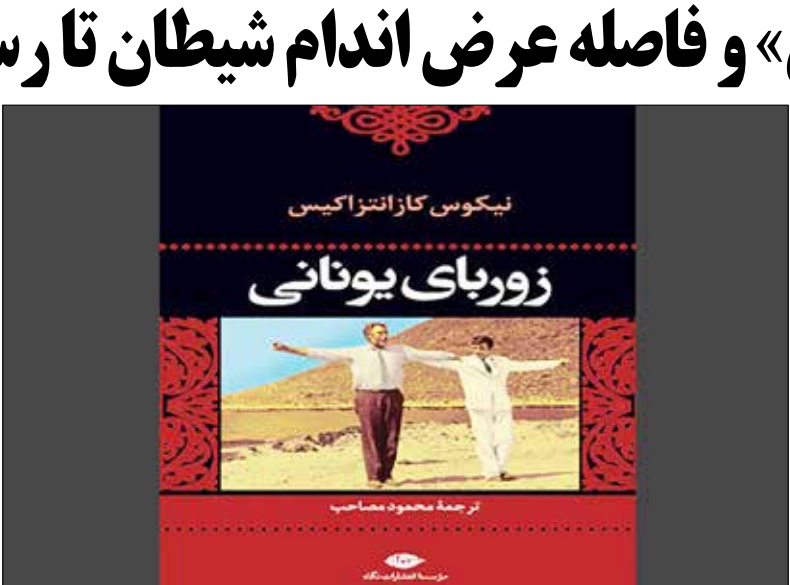
در داستان مواجهیم که در غیاب نقاط مقابلش در داستان به فاجعه منتهی می‌شوند.

فاطمه نفری هم گفت: این رمان با وجود اینکه حجم است بسیاری از سؤالاتش بی‌پاسخ مانده! مثلاً اینکه چرا زوربا زن و دخترش را رها کرد؟ او که نگران تنها خوابدین بیوه زن است، آیا در طول این سال‌ها نگران تنهایی همسرش نبوده؟ یا در مورد قتل بیوه‌زن، چرا او باید قربانی شود در حالی که افراد دیگری مانند مادام که همه او را می‌شناسند و از همان بدو ورود زوربا و ارباب، این مسئله بر همه‌شان عیان است؛ از امن و امان بماند؟ یا مثلاً خاطراتی که پس از سال‌ها، با این جزئیات در خاطر ارباب مانده و بهانه روایت کتاب شده، خودش با منطق جور درنمی‌آید. اما با این‌حال چیزهایی وجود دارد که رمان را خواندنی و حجم زیاد آن را قابل تحمل می‌کند؛ مثلاً توصیف‌ها و تصویرسازی‌های عالی همچنین سوال‌هایی که شخصیت داستان با آنها درگیر است و خواننده را نیز درگیر می‌کند. آیا خدا وجود دارد؟ شیطان چطور؟ اگر خدایی هست چرا دنیا پر از بی‌عدالتی است؟ چرا بچه‌های بی گناه می‌میرند؟ چرا انسان‌های بی گناه کشته می‌شوند؟ اما اینکه آیا به این سوال‌ها پاسخ داده شده است یا خیر، برخی معتقدند داستان وظیفه‌ای برای پاسخ دادن ندارد و فقط طرح مسئله می‌کند. با همه این اوصاف اندیشه غالب کتاب، داشتن زندگی آزاد و لذت بردن از تمام داشته‌هاست که البته این مضمون را می‌شد خلاصه‌تر گفت.

زوربای یونانی رمانی مردانه است

در ادامه مریم مطهری‌راد رمان زوربای یونانی را این‌طور تعریف کرد: زوربای یونانی رمانی مردانه است. جایی که مردها در آن با سینه‌ای ستبر، اعتماد به نفسی راسخ و نگاه به آینده‌ای که شاید روزی در آن تغییر رویه‌ای دادند، می‌اندیشند، زندگی می‌کنند و تصمیم می‌گیرند. رمان کلاسیک زوربای یونانی با مضامین مرد و زندگی، خدا، دین، مسیح و زن روی پلاتی کم تحرک بنا شده است. زوربا با شخصیتی چند وجهی و تمایلات فراایکپوری زندگی را آنچنان در لحظه می‌گذراند که راوی او را همچون آرزویی رویه‌روی خود می‌شناند و با حسرت بسیار به او می‌نگرد. راوی

در بررسی رمان مشهور کارانتزاکیس مطرح شد؛



در زوربا دو شخصیت افراط و تفریطی هستند که یکی در دل خوش‌گذرانی می‌تازد و هرچه می‌رود سیر نمی‌شود و دیگری آنچنان ریاضت می‌کشد که زندگی‌اش در تنگنای نیاز روحی و جسمی قرار می‌گیرد.

وی افزود: سرانجام ارباب که همواره زوربا و فلسفه او درباره زندگی و آدم‌ها را تمجید و ستایش می‌کند، خود و او را «چیزی به‌جز دو حشره کوچک فنایپذیر چسبیده به پوسته زمین» نمی‌داند. (ص ۱۲۳) چرا که دریافته «بودا همان آخرین انسان است.» «آخرین انسان که خویشتن را از قید هرگونه عقیده و هرگونه رؤیا رهاشد و دیگر نه به چیزی امیدوار است و نه از چیزی بیمناک، به چشم خویش کل رسی را که خود از آن درست شده است می‌بیند که تبدیل به روح شده و برای آن روح دیگر گلی باقی نمانده است که در آن ریشه بدواند و از آن غذا بگیرد. آخرین انسان دیگر خالی شده است، دیگر نه تلفه‌ای دارد، نه مدفعی و نه خونی» از همین رو ارباب در شبی پس از گفت‌وگو با زوربا درباره انسان، تصمیم به کار دوگانه‌ای می‌گیرد؛ نخست از بودا گریختن و دیگری تماسی عمیق و مستقیم با آدم‌ها برقرار کردن. (ص ۹۰) هرچند دقیقاً مشخص نیست که چرا ارباب علی‌رغم اینکه معتقد است حرف‌های زوربا چون ضربه‌های تازیانه بر او اثر کرده (ص ۱۹) تصمیم می‌گیرد که با انسان‌ها تماسی عمیق و مستقیم برقرار کند. به‌این‌ترتیب فلسفه بودا که رنج را جز جدایی‌ناپذیر تمامی مراحل طبیعی زندگی می‌داند در برابر فلسفه زوربا شکست می‌خورد.

نگاه ضد زن زوربا آزاددهنده است

در این نشست کی ا بحث‌برانگیزترین مباحث، نگاه زوربا به زن بود. مرضیه نفری در این‌باره گفت: نگاه ضد زن زوربا، بسیارآزار دهنده است. از دید او زنان، ابله، درد کشند، وسیله کامجویی و لذت مردان و حتی قابل خرید و فروش هستند. جایی که زوربا داستان نوسا زن روسی و پایین آمدن ارزش روبل را تعریف می‌کند، تحقیر زن و نگاه مادی نسبت به او کاملاً مشهود است. زوربا سعی می‌کند از زن برای لذت جویی خود کاملاً استفاده را ببرد. دلش برای جنس زن می‌سوزد و احساس ترحمی، مشمئز کننده

دارد. زنان زیادی در داستان می‌آیند و می‌روند اما دو زن به عنوان نماد زن‌ها، معرفی می‌شوند: بیوه زن و بویولینا. کارانتزاکیس برای بویولینا ناشده می‌باشد، او نسبت به تمام زنان داستان، کامل‌تر و ملموس‌تر توصیف می‌شود. در همه جای داستان حضور دارد، علی‌رغم پیری‌اش دنبال عشقی است که بتواند به آن تکیه دهد. ماندگارترین تصویر از زن اغواگر داستان، بویولینا و چهار مردی است که بر زانوئ او نشسته اند، گویی جهان در تسخیر اوست. و کلمه کانآورویی که طوطی دائم تکرار می‌کرد، نشان می‌داد که این زن تا لحظه‌های آخر، در جستجوی مردی است که به او عشقی دائمی دهد، اما بیوه زن، در صحنه‌های مختصرتری وجود دارد. مورد تنفر زنان روستاست. او توانسته حس تمام مردان روستا را برانگیخته کند ولی ارباب مردم است که پیش او برود یا نه! گویی با وجود او هیچ مردی رستگار نخواهد شد و تنها راه خلاصی از او، سنگباران و کشتنش توسط مردم دهکده است. تصویری ماندگار و ترحم انگیز!

فاطمه نفری در ادامه این مبحث ضمن اشاره به دیدگاه پارادوکس‌وار زوربا نسبت به زن گفت: این نگاه جای کاملاً محترمانه است و زه زن را همچون الهه‌ای می‌داند که باید پرستیدش. گاه بسیار شریف است، مانند زمانی که برای تشکستن دل مادام، با او جشن ازدواج سوری برگزار می‌کند و همچنین در هنگام مرگ هم تا واپسین لحظه‌ها ترکش نمی‌کند و گاه نگاه لذت جویانه‌اش آدم را بیزار می‌کند. او لحظه‌ای از فکر زن که آن را موجودی بسیار ضعیف و کم خرد می‌داند، غافل نیست و گاه نیز نگاهش نسبت به زن همراه با عطفوت و مهربانی بسیار زیادی است.

مریم مطهری در این راستا گفت: رمان زوربا گاهی یادآور غرب وحشی است. دیدگاهی که به زنان دارد، آمیختگی با ترک‌ها و در عین حال انزجار از عثمانی‌ها، دعوت به جنگ‌های خونین همچون گذشته برای به دست آوردن امپراتوری قدرتمند و انتقام از عثمانی‌ها، حرف‌هایی که به راحتی منجر به جنایت می‌شود و جنایاتی که راحت انجام می‌دهند و راحت‌تر از کنار آن می‌گذرند، همه اینها شاید به نوعی نگاهی اعتراضی به وضعیت جامعه‌ای است که نویسنده در آن زندگی می‌کرده است. سمیه عالمی با اشاره به نظر دوستان نسبت به زن در رمان زوربای یونانی گفت: در مورد تأکید زوربا بر این موضوع که با انسان‌ها تماسی عمیق و مستقیم باید عرض کنم، به نظر من نویسنده دارد خیلی صریح و بی‌پرده، زمانه داستان و شخصیت‌ها را روایت می‌کند؛ با اقتضاعات اجتماعی و فرهنگی و مذهبی حاکم بر آن جغرافیا؛ پس رمان ضد زن نیست بلکه حامل نگاه آن زمان این مردم به زن است که اتفاقاً می‌تواند ارزش مطالعات فرهنگی داشته باشد و مبنای بررسی جایگاه زن در جوامع مدعی تمدن مدرن قرار بگیرد.

گروه داستانی خورشید به منظور کنکااش در ادبیات ایران و جهان و گاهی بازخوانی رمان‌های کلاسیک که منجر به دریافت‌های تازه می‌شود، هر ماه یک رمان را در دست بررسی می‌دهد. گزارش فوق به قلم مریم مطهری‌راد از اعضای این گروه به رشته تحریر درآمده است.

خبر

وقتی «منبع آب» بلای جان یک بنای تاریخی می‌شود

همدان حکایت «تخت خلیل» مثل بسیاری از بناهای گمنام و در معرض خطر، کهنه کتابی است که بارها و بارها ورق خورده و پایان خوشی نداشته است. این جاذبه تاریخی متصرف‌برد بنای مهجوری است که به گفته اهالی محلی بیش از ۷۰۰ سال قدمت دارد اما آوازش حتی به گوش بسیاری از میراث دوستان هم نرسیده است.

گذر زمان، غریبی «تخت خلیل» و بی‌مهری مسئولان آن را در وضعیت نامناسبی قرار داده و بسیاری از بخش‌های بنا را با خطر ریزش مواجه کرده است اما همه اینها یک طرف و منبع آبی که سال‌های ۷۳ یا ۷۴ وسط این بنای تاریخی علم دهنی یک طرف دیگر!

«تخت خلیل» یا «قلعه کاج» در روستای روستاهای خوش آوازه استان همدان در حوزه صنایع دستی است، قرار دارد و با وجود اهمیت فراوان نه تنها تاکنون در فهرست آثار ملی ایران ثبت نشده بلکه در آستانه تخریب هم است.

مهرماه سال ۹۹ بود که ایستא گزارشی تحت عنوان «تخت خلیل در زباله‌دان تاریخ» منتشر کرد. در آن گزارش محسن حجازی‌مکان، دهیار روستای کاج به خبرنگار ایسنا گفت: کاج تنها اسم روستای گردشگری را یک می‌کشد و متأسفانه قلعه روستا که بالای تپه و نماد کاج است، در حال تخریب است.

به گفته وی، دهیاری نامه‌نگاری‌هایی با میراث فرهنگی برای ثبت ملی بنا انجام داده اما متأسفانه نتیجه‌ای نداشته است، همچنین کاج از سال ۸۶ به عنوان روستای هدف گردشگری شناخته شده و در طول این سال‌ها میراث فرهنگی هیچ هزینه‌ای بابت این موضوع به روستا ندهاد و خود نیز هزینه‌ای صرف نکرده است.

در آن گفت‌وگو سیده مریم‌مختاری‌موسوی، معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان همدان این تأکید تخریب گسترده در بنا به ایسنا گفت: در بازدیدی که در روزهای اخیر از تخت خلیل داشتیم، مستنداتی از آن تهیه کرده و قرار است در جلسه شورای استان که هفته‌های آینده برگزار می‌شود، تصمیم نهایی گرفته شود. وی همچنین با بیان اینکه این پس از بررسی شرایط مشخص می‌شود بنا قابلیت ثبت ملی دارد یا خیر؟ اظهار کرد: ساماندهی «تخت خلیل» در دستور کار میراث فرهنگی همدان قرار گرفته و اینکه چه نتیجه‌ای برای این گرفته شود به اظهارنظر اعضای شورای استان بستگی دارد همچنین این تصمیم متعاقب به وزارتخانه ارسال و نظر نهایی را دفتر ثبت وزارتخانه به استان اعلام می‌کند.

امروز بیش از یک سال‌ونیم از انتشار گزارش مذکور می‌گذرد و حال و روز تخت خلیل هنوز هم ناخوش است. حرف‌های دهیار روستا پس از مدت‌ها هنوز هم بوی بهبود نمی‌دهد و احوال کاج هم بهتر نشده است. حجازی‌مکان این بار هم در گفت‌وگو با ایسنا، با تأکید بر اینکه کاج همچنان اسم روستای هدف گردشگری را یک می‌کشد، بیان کرد: تخت خلیل در معرض تخریب جدی است و هنوز کارهای تملک بنا، ثبت ملی، مرمت و احیای آن انجام نشده است.

وی با بیان اینکه تا به حال اداره میراث فرهنگی حتی یک ریال برای این بنا هزینه نکرده است، مطرح کرد: پیرو پیگیری‌های انجام شده، فرماندار شهرستان اعلام کرد جابجایی منبع آب به یک میلیارد تومان نیاز دارد. حجازی‌مکان اعتبار دهیاری را برای حفظ این بنای تاریخی و جابجایی منبع آب کافی ندانست و بیان کرد: تخت خلیل به حال خود رها شده و هر روز هم بیشتر تخریب می‌شود، از طرفی یک بار در سال ۷۰ حفاری غیرمجاز در بنا انجام شده است.

رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان‌های رزن و درگزین نیز به خبرنگار ایسنا گفت: ما مدفعانه حفظ این بنای ارزشمند را داریم اما منبع آب مانع از ثبت ملی و مرمت بنا شده است.

شهروز کهبایی با اشاره به اینکه بارها در جلسات مختلف گفته‌ایم منبع آب مانع بزرگی برای ثبت ملی اثر است، افزود: این منبع نمی‌گذازد میراث فرهنگی کاری انجام دهد و تا زمانی که فرآیند ثبت ایجاد نشود نمی‌توانیم اقدامات دیگری مثل مرمت و احیای بنا را عملی کنیم.

وی با اشاره به هزینه یک میلیاردی جابجایی منبع آب، شرح داد: در شرایط فعلی بحران آب، تأمین آب روستا مشکل است و اگر بخواهیم از درگزین به روستا آبرسانی کنیم به هزینه گزافی نیاز داریم، از طرفی جابجایی منبع به معضل تبدیل شده بنابراین تنها راه این تعداد، اقدامات دیگری مثل مرمت و احیای بنا را عملی کنیم.

رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان‌های رزن و درگزین در ادامه تخت خلیل را بنایی واجد ارزش معرفی کرد و گفت: اگر این بنا ثبت ملی، مرمت و احیاء شود بدون شک نقش مهمی در رونق گردشگری شهرستان خواهد داشت.

کهبایی با تأکید بر اینکه باید چاره‌ای اساسی برای مشکل منبع آب اندیشیده شود، بیان کرد: پیگیر جذب اعتبار برای جابجایی منبع از طریق خیرین میراث فرهنگی، فرمانداری، بخش خصوصی، اداره میراث فرهنگی و… هستیم و اگر این اتفاق عملی شود بنا با وجود آسیب‌های فراوان قابل احیاء خواهد بود و می‌توان طرح مطالعاتی و مرمتی برایش تعریف کرد.

وی با اشاره به فزاینده بودن ثبت بنا در وضعیت فعلی، بار حقوقی برای مالک به وجود می‌آید، فرمانشان کرد: میراث فرهنگی با اعتبارات ناچیز از پس تمام بناها برنمی‌آید با این وجود بناها را اولویت‌بندی می‌کند و تخت خلیل نیز جزء اولویت ما است.